

نوجوان باهوش / آشپز زاده‌ی وزیر / گریه‌ی امیر - صفحه ۶۸

#تاریخ ادبیات:

سعدی: صفحه‌ی ۱۴۰ / فرهاد حسن زاده: صفحه‌ی ۱۳۹ / محمود حکیمی: صفحه‌ی ۱۴۰ / امیرکبیر: صفحه‌ی ۱۳۹ / قائم مقام فراهانی: صفحه‌ی ۱۴۲ کتاب درسی

#معنای لغات:

صفحه ۶۷: نیکو: خوب، پسندیده / به: بهتر / کزو: که از او / ماند: بماند / سرا: خانه / زرنگار: طلائی

صفحه ۶۸: اشعار: جمع شعر / مطالب: جمع مطلب / سرشناس: مشهور، معروف / مجالس: جمع مجلس، محله جلسه / شعرا: جمع شاعر / وی: او / مکت: درنگ، صبر، توقف / خرم: شادمان، شاد، باطراوت / حلاوت: شیرینی، میل و رغبت / شاهد: معشوق (خدا)، محبوب، معشوق / ساقی: آبرسان / ارادت: دوستی، علاقه، محبت، میل / بکشم: تحمل می‌کنم / درمان: دارو، دوا

صفحه ۶۹: لهجه: طرز سخن گفتن / فوق العاده: بسیار خوب و عالی، (بالاتر از عادی) / نوه: فرزند فرزند / پی برد: فهمید / فلسفه: علمی که درباره‌ی حقایق موجودات و عامل وجود آن‌ها بحث می‌کند / حکمت: دانش و معرفت / استعداد: توانمندی، قابلیت / بی‌نظیر: بی‌مثل و مانند، بی‌همتا / قدر: ارزش / هوش: زیرکی / سرشار: مملو، پر، انباشته / سرشار: فراوان / نامی: معروف، مشهور / سیاست: حکومت کردن / هیاهو: غوغا، بانگ و فریاد، همهمه، شلوغی / سختی: دشواری / مکتب خانه: مدرسه‌ی قدیم، مکانی که در آن کودکان به شیوه‌ی سنتی درس می‌خواندند / بهانه: سبب

صفحه ۷۰: حاصل: نتیجه / دزدکی: پنهانی / اندک اندک: کم کم / طراوت: شادابی / متوجه او نبود: حواسش به او نبود / تعارف: زیاده‌روی در احترام، رعایت کردن ادب / خب: باشد، معمولاً برای تأکید به کار می‌رود / کاشف: آشکار کننده، کشف کننده / خیره شد: با تعجب نگاه کرد / معلوم: واضح، آشکار

صفحه ۷۱: تأسف‌بار: ناراضی، ناراحت کننده، با افسوس / کوبید: ضربه زد / گزید: گاز گرفت / لیاقت: شایستگی / ثابت کنم: معلوم کنم، مشخص کنم / کنار نهاد: کنار گذاشت / رمیده: ترسان و فراری، پریشان، ترسیده، گریخته، فرار کرده / انیس = مونس: یار، همدم / وجد: شادی، خوشحالی، نشاط / به وجد آمده بودند: بسیار خوشحال شده بودند / هلهله: فریاد شادی / پشتکار فراوان: سخت کوشی، زحمت کشیدن / صدراعظم: نخست وزیر / منشأ: محل (سبب) پیدایش، آغاز گر / خدمات: جمع خدمت

صفحه ۷۲: نامدار: مشهور، معروف / متولد شد: به دنیا آمد / ذکاوت: تیزهوشی، زرنگی / اطلاع دادند: خبر دادند / آبله: نوعی بیمار واگیر که به صورت تاول روی پوست بدن ظاهر می‌شود / شیوع: گسترش یافتن، همه گیر شدن / فوراً: سریع / آبله کوبی: روش درمان آبله / جهل = نادانی / خرافات: اعتقاد غلط، باورهای ناشی از نادانی و ترس از امور ناشناخته / واکسینه شوند: واکسن بزنند / از قضا: اتفاقاً / طفلش: کودکش / نزد: پیش / آبله کوب: اصطلاحاً پزشک / اندوه: غم و غصه / بقال: خوار و بار فروش / ماجرا: اتفاق، حادثه / رسا: بلند، کلام شیوا، رسنده / خطاب: مخاطب قرار دادن کسی

#معنای شعر:

معنی بیت اول فصل: اگر از انسان نام و خاطره‌ی خوب به یادگار بماند بهتر است از اینکه خانه‌ی طلائی از او باقی بماند.

شعر سعدی:

بیت اول: در این دنیا خوشحالی من از آن خدایی است که شادمانی تمام این دنیا به او تعلق دارد و عاشق آن خدایی هستم که تمام عالم هستی عاشق او هستند.

بیت دوم: هر سختی و مصیبتی را که از او به من می‌رسد با تمام وجود می‌پذیرم که اگر درد و مصیبت از اوست، درمان درد هم از اوست.

شعر حافظ: رسول گرامی اسلام که مانند یک ستاره در آسمان پیامبری شروع به درخشیدن کرد، مانند ماه، از بقیه برتری یافت و برای دل‌های ناآرام و وحشت‌زده، یار و همدم گشت.

نوجوان باهوش: زهر: استعاره از رنج و مصیبت / حلاوت و زهر: تضاد / درد و درمان: تضاد / از شادی چشمانش درخشید: کنایه از خوشحال شدن، به وجد آمدن

آشپز زاده‌ی وزیر: سکوت باغ را می‌شکست: کنایه از به هم زدن آرامش / یک نفس: کنایه از بدون توقف و ایستادن / گوش می‌سپرد: کنایه از توجه و شنیدن دقیق / قلم، کاغذ، نوشتن: تناسب / کاغذ ذهن: اضافه‌ی تشبیه‌ی (ذهن به کاغذ تشبیه شده) / دانش دست و پا شکسته: کنایه از علم کم و ناقص / قلک ذهن: اضافه‌ی تشبیه‌ی / به سرش کوبید: کنایه از تأسف خوردن / لب گزید: کنایه از سکوت کرد / همه‌ی سرها به طرف او برگشت: کنایه از اینکه متوجه او شدند / سرش را بالا گرفت: کنایه از باافتخار و غرور / ستاره و ماه: استعاره از پیامبر اسلام / ماه مجلس شدن: کنایه از برتری از بقیه / مجلس: استعاره از عالم / ستاره، ماه، بدرخشید: تناسب / همه چشم‌ها به دهان او خیره شده بود: کنایه از منتظر پاسخ او بودند

گریه‌ی امیر: بر سر زبان‌هاست: کنایه از معروف و مشهور بودن / جن زده شدن: کنایه از دیوانه شدن

#نکات_دستوری:

به کزو ماند سرای زرنگار: بهتر (است) از اینکه ← حذف فعل است به قرینه‌ی معنوی / قصیده بخوانم یا غزل (بخوانم): حذف فعل به قرینه لفظی / شعر سعدی فوق العاده است یا شعرخوانی میرزا ابوالقاسم (فوق العاده است): حذف فعل به قرینه لفظی / هم شعر سعدی (فوق العاده است) هم شعرخوانی نوه‌ی شما (فوق العاده است): حذف فعل به قرینه‌ی معنوی / معلوم است، ابن سینا (است): حذف فعل به قرینه‌ی لفظی / آفرین بر پسر...: شبه جمله / دل رمیده‌ی ما را انیس و مونس شد = انیس و مونس دل رمیده‌ی ما شد ← را: فک اضافه / وای از جهل و نادانی: شبه جمله / بقالی = یک بقال ← بقال + ی نکره

#خود_ارزیابی:

- ۱- کاشف الكل و شعری از حافظ
- ۲- با هوش و ذکاوت بودند / به ایران خدمات فراوانی کردند / در زندگی سختی و زحمت بسیار کشیدند / هر دو به مقام صدراعظمی ایران رسیدند / زیاده‌خواهان و درباریان هر دو را به شهادت رساندند

قالب شعر سعدی: غزل